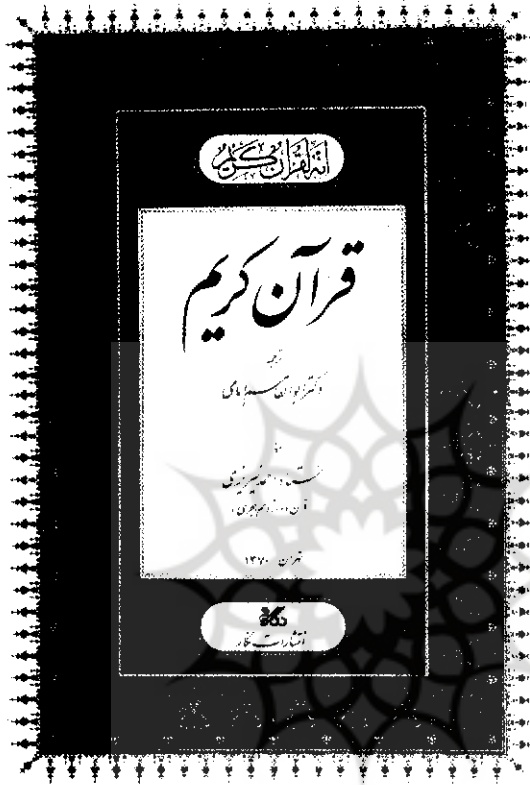
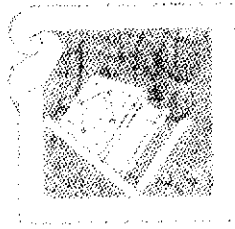


نقدی بر

# ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی از قرآن کریم



محمد علی کوشا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اعلای تمام گلاسه و با تذهیب بسیار جالب توجه و هنرمندانه به همت انتشارات نگار و با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه منتشر شده است این ترجمه در ۵۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است.

در این ترجمه، مترجم خوش ذوق تا سر حد امکان ادبیانه پیش رفته و زیبایی کلام پارسی را در خدمت ترجمه کلام رسای الهی به کار گرفته است. تلاش مترجم بر این بوده که ترجمه اش به دور از خشو و زوائد و پیراسته از نواقص و آراسته به زیور ادب و هنر باشد و آهنگ سخن پارسی را در ترجمه به آهنگ کلام الهی نزدیک گرداند و با استفاده از لغات سره فارسی، توانایی زبان فارسی را در ارائه مفاهیم گوناگون - پا به پای زبان عربی - نشان دهد.

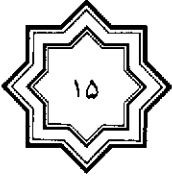
به راستی که مترجم دانشمند از این رهگذر، خدمت فراوانی به ادب پارسی نموده و با قلم زیبا و شیوای خویش به احیای زبان شیرین فارسی پرداخته، و برای ادب دوستان پارسی زبان، بهترین گنجینه ادب را به ارمغان نهاده است آری

کلام حق که زیباترین و دلپذیرترین کلام است، طبعاً زیباترین و دلپذیرترین ترجمه را می طلبد. ارباب فصاحت و بلاغت، نیک آگاه اند که زیبایی کلام سهم بسیار زیادی در جلب و جذب افراد نسبت به متون دینی دارد.

فراموش نکنیم که مهم ترین عامل نفوذ اسلام در محیط جزیره العرب، زیبایی و دلپذیری کلام الهی بود و اکنون که ما این کلام زیبا و این بزرگ معجزه رسول خدا (ص) را در پیش روی داریم و شیفته معارف بی مانند آنیم، باید برای ارائه آن به اقصا نقاط عالم، از بهترین و شیواترین ترجمه به زبانهای گوناگون بهره بگیریم، تا از این رهگذر، جهانیان را به ارزش والای آن بیا گاهانیم.

در میان ترجمه های قرآن ترجمه جناب مستطاب آقای دکتر ابوالقاسم امامی - دام مجده العالی - از امتیازات و ویژگیهای فراوانی برخوردار است.

این قرآن مترجم، به خط مرحوم استاد احمد نیریزی، بهترین خطاط ایرانی قرآن کریم در قطع رحلی، با کاغذ



روزِ شمار را دروغ می‌دارید».

سوره انفطار آیه ۱۷ و آیه ۱۸: «وَمَا أَدْرِيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ثُمَّ مَا أَدْرِيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ»: «تو چه دانی که روزِ شمار چیست؟

باز هم تو چه دانی که روزِ شمار چیست؟»

سوره مطففین آیه ۱۱: «الدِّينَ يُكْذِبُونَ يَوْمَ الدِّينِ»: «آنان که روزِ شمار را دروغ می‌دارند».

سوره تین آیه ۷: «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ»: «پس، چیست که زان پس، تو را به دروغ داشتن روزِ شمار دروغ گو می‌دارد؟»

### اشکال:

در اینکه در این آیات منظور از «یوم الدین» «روز قیامت» است شکی نیست، ولی سخن در این است که در مقام ترجمه حتی الامکان باید معادل فارسی کلمه را قرار داد. و معادل فارسی «دین» در این آیات «پاداش» است نه «شمار» چون «شمار» معمولاً معادل «حساب» می‌آید.

البته روشن است که در غیر این آیات، کلمه دین به معنی «کیش» و «آیین» آمده است که فعلاً مورد بحث ما نیست.

پس ترجمه صحیح مالک بوم الدین، «خداوند روز پاداش» می‌باشد و همچنین است در یازده آیه دیگر که گذشت.

اتفاقاً مترجم «دین» را در آیه ۸۲ سوره شعراء به معنای صحیح آن که «پاداش» است معنی کرده اند: «وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خِطِيئِي يَوْمَ الدِّينِ» و نوشته اند: «و آن که چشم دارم که در روز پاداش گناه مرا آمرزد».

ولی در سوره انفطار آیه ۱۵: «يَضْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» به صورت: «در روز رستخیز بدان در افتند» و در سوره ماعون آیه اول: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ» به صورت: «آیا دیده ای آن را که دین را دروغ بدارد» ترجمه شده است.

در این دو آیه معادل لفظ «دین» که همان «روز پاداش» است آورده نشده بلکه با آوردن کلمه «رستخیز» و «دین» از مبنای ترجمه فاصله گرفته اند.

۲- سوره بقره آیه ۱۹: «وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ»

ترجمه دکتر امامی: «خداوند بر ناپاوران چیره است».

و نیز سوره آل عمران آیه ۱۲۰: «إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» ترجمه دکتر امامی: «که خداوند بر آن چه کنند آگاه است».

و نیز در سوره انفال آیه ۴۷ همین ترجمه آمده است.

و نیز در سوره هود آیه ۹۲ تقریباً همین ترجمه ذکر شده است.

و نیز در سوره فصلت آیه ۵۴ و سوره بروج آیه ۲۰ و سوره نساء آیات ۱۰۸ و ۱۲۶ «محیط» به معنی «آگاه» آمده است.

### اشکال:

مترجم محترم، معادل لفظ «محیط» را در هشت آیه مذکور در يك مورد آن «چیره» و در هفت مورد دیگر «آگاه» قرار داده است. در صورتی که «چیره» معادل «غالب» و «آگاه» معادل

سخنی که در سایه کلام الهی جای گیرد و قطره وجودش را به دریای سخن بی پایان حق پیوند دهد، هرگز قدرش را از دست ندهد و در بوتۀ نسیان جای نگیرد.

مترجم ادیب، با همه تلاش و کوششی که به کار برده، خود را بی نیاز از نقد و ایراد ندیده و کالای پراج هنر خویش را در بازار ادب بی مانند نشمرده، بلکه از سر اخلاص پذیرای رهنمودهای ناقدان و نکته یابان شده و آنان را به یاری طلبیده است. از این جهت در مقدمه می‌گوید:

بی گمان هنوز در آغازیم، لیکن این امید هست که با پیگیری پژوهش در نکته‌ها و رازها و معانی ژرف سخن خدا، و سرانجام با سود جستن از راهنمایی‌هایی که پس از نشر چاپ نخست آن برخوردار خواهیم شد، گام به گام و چاپ به چاپ به این آرزو نزدیک تر شویم.

این جانب که ترجمه‌های فراوانی را از قرآن کریم از نظر گذرانده‌ام و به ضعفها و قوت‌های آنها نیک آگاهم، ترجمه جناب آقای دکتر ابوالقاسم امامی را در مجموع - بعد از اصلاحات مورد نظر که خواهد آمد - بهترین ترجمه تا زمان حال می‌دانم. و اینک در جهت شکوفایی هر چه بهتر این ترجمه نفیس نکات اصلاحی لازم و یا ارجح را - با کمال اخلاص - تقدیم مترجم دانشمند و خدمتگزار و خوانندگان گرامی می‌کنم:

### موارد اشکال:

در این آیات «یوم الدین» به «روز شمار» ترجمه شده است: (ترجمه دکتر امامی بعد از آیات مورد نظر آمده است).

۱- سوره حمد آیه ۴ «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»: «خداوند روزِ شمار».

سوره حجر آیه ۳۵: «وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ»: «تا روزِ شمار بر تو نفرین است».

در سوره صافات آیه ۲۰: «وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ»: «و گویند: ای وای بر ما که این روزِ شمار است».

سوره صاد آیه ۷۸: «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ»: «نفرین من تا روزِ شمار بر تو باد».

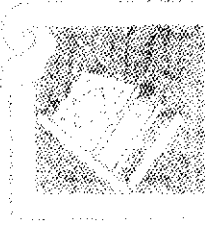
سوره ذاریات آیه ۶: «وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ»: «و روزِ شمار هر آینه افتد».

سوره ذاریات آیه ۱۲: «يَسْتَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ»: «پرسند که روزِ شمار کی است».

سوره واقعه آیه ۵۶: «هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ»: «این خوراکشان به روزِ شمار است».

سوره معارج آیه ۲۶: «وَالَّذِينَ يُضَلِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ»: «و آنان که روزِ شمار را راست می‌دارند».

سوره انفطار آیه ۹: «كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالذِّينِ»: «نه، که شما



«خیسیر» است. بنابراین ترجمه صحیح این آیه چنین است: «خداوند فراگیر ناباوران است» و همین طور در ۷ موردی که گذشت معادل محیط، «فراگیر» یا «فراگیرنده» است.

اتفاقاً مترجم در آیات سورة عنكبوت آیه ۴۹ و سورة توبه آیه ۴۹ و سورة هود آیه ۸۴، معادل «محیط» را «فراگیر» آورده اند که صحیح هم همین است: «وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ»: «من از شکنجه روزی فراگیرنده بر شما بیم دارم».

البته در آن هشت مورد و مشابه آن، وقتی می گوییم خداوند فراگیر ناباوران است؛ این فراگیری، همه جانبه است، فراگیری در قدرت و فراگیری در علم و ... پس آگاهی را نیز در واقع شامل می شود. بنابراین آگاهی، لازم معنای «محیط» است نه خود معنای آن.

۳- سورة بقره آیه ۸۱: «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَخَاطَتَ بِهَا حَظِيئَتَهُ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» ترجمه دکتر امامی: «آری، آنان که بدی کنند و گناهانشان بر ایشان چیره شود، آنان یاران آتش اند و در آن جاودانه اند.» اشکال:

با توجه به اینکه معادل لفظ «إحاطه» «فراگیری» است، ترجمه صحیح آیه چنین است: «آری آن که بدی کند و گناهش او را فرا گیرد چنین کسان یاران آتش اند و در آن جاودانه اند.»

ضمناً مترجم محترم فعل «كَسَبَ وَ أَخَاطَتَ» را که هر دو مفردند به قرینه «أولئك» جمع معنی کرده اند؛ ولی با توجه به ترجمه ای که ما کردیم مقام هر کدام محفوظ است.

۴- سورة بقره آیه ۹۳: «وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَا كُمْ بِقُوَّةٍ» ترجمه دکتر امامی: «طور را بر فرازتان برداشتیم که آنچه دادیمتان دلیر برگزید».

اشکال: «رفع» در اینجا به معنی «برافراشتن و بالا بردن» است نه برداشتن، و نیز معادل قوه، «نیرو» و «نیرومندی» است.

پس ترجمه صحیح چنین است: «طور را بر فرازتان افراشتیم [و گفتیم]: آنچه دادیمتان نیرومندانه برگزید».

۵- سورة بقره آیه ۱۰۶: «لَمَّا نَسَخْنَا مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» ترجمه دکتر امامی: «ما هیچ آیه ای را بر نمی داریم یا نمی فراموشانیم جز آنکه بهتر از آن یا همانندش را می آوریم.» اشکال:

«ما» به صورت نافی ترجمه شده، در صورتی که شرطیه است. به دلیل اینکه «نَسَخْنَا وَ نُنسِئُهَا» مجزوم شده اند (که دو تایی اخیر در اصل نَسَى وَ نَأَى بوده اند که حرف یاء هر دو به جزمی افتاده است).

پس ترجمه صحیح چنین است: «اگر آیه ای را برداریم یا

فراموشانیم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم.»  
۶- سورة بقره آیه ۱۴۳: «... وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً الْأَهْلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ...»

ترجمه دکتر امامی: «هر چند این جز بر آنان که خداشان راه بنموده است گران آید.»

و نیز در سورة جمعه آیه ۲: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.»

به این صورت ترجمه شده است: «هر چند پیش از این در گمراهی آشکار بودند.»

و در سورة آل عمران آیه ۱۶۴: نیز همین ترجمه آمده است. و نیز در سورة بقره آیه ۱۹۸: «وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ» را «هر چند پیش از این از گمراهان بوده اید» ترجمه کرده اند. اشکال:

«إِنْ» در این آیات و نظائر آن مخففة از مثقله است نه شرطیه و نه وصلیه پس ترجمه صحیح این آیات چنین است: «به راستی این جز بر آنان که خداشان راه بنموده است گران است.»

«و به راستی که در گذشته در گمراهی آشکاری بودند.»  
«و به راستی پیش از این گمراهان بوده اید.»

۷- سورة بقره آیه ۱۵۵: «وَلِتَبْلُغُنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ...» ترجمه دکتر امامی: «شما را به اندکی از ترس و گرسنگی و کاستی در خواسته و جان و بار و بر بیازمائیم...» اشکال:

«اموال و انفس و ثمرات» جمع هستند، حال آنکه در ترجمه مفرد آمده اند و ضمناً «نفس» در اینجا به معنای «جان» نیست، در ترجمه آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران ۱۸۵) نمی توان گفت هر جانی مرگ را می چشد و باید گفت: هر شخصی مرگ را می چشد. در آیه مورد بحث نیز نقص در اموال و اشخاص مقصود است نه نقص در اموال و جانها و اساساً نقص در جانها معنی ندارد، زیرا جانها کم نمی شوند، بلکه جاویدان هستند.

پس ترجمه صحیح این آیه چنین است: «شما را به اندک چیزی از ترس و گرسنگی و کاستی در خواسته ها و کسان و بار و برها بیازمائیم.»

يك تذکر مهم: کلمه «نفس» که جمع آن «أَنْفُسُ وَ نُفُوسُ» در قرآن آمده است معادل فارسی آن «خود» و «کس» و «شخص» و «فرد» است و تنها در چند مورد محدود به معنی «روح» و «جان» و «روان» می آید؛ مثل:

وَلَا تُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (قیامت آیه ۲)  
يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (فجر ۲۷)  
وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (شمس ۷)  
در هیچ يك از آیاتی که واژه «أَنْفُسُ» آمده، به معنی «جانها» نیست، بلکه به معنی «خودشان» می باشد.



بیدار».

و نیز آل عمران آیه ۲ و سوره طه آیه ۱۱۱ به همین ترجمه آمده است.

**اشکال:**

«قَیُّوم» به معنی «پایدار» و «پاینده» است نه بیدار! پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «خدای، خدایی جز او نباشد، زنده پایدار.»

۱۱- آل عمران آیه ۴: «وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ»

ترجمه دکتر امامی: «خداوند، توانا و کین توز است.»

**اشکال:**

واژه «کین توز» معمولاً در فارسی در مورد کسی که بغض و عداوت دیگری را در دل می پروراند به کار می رود، از این جهت با توجه به مفهوم آن نمی تواند براننده ذات ذوالجلال باشد و معادل «ذوانتقام» نیست، از این رو بهتر این است که آن را به معنی «صاحب انتقام یا انتقام گیرنده» معنی کنیم. پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«خداوند پیروزمند و صاحب انتقام است.»

۱۲- آل عمران آیه ۵۰: «... وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ

عَلَيْكُمْ»

ترجمه دکتر امامی: «و از آنچه بر شما ناروا داشته اند چیزی را روا نسازم.»

**اشکال:**

«لِأَجْلِ» به معنی «حلال می کنم» است و لام آن برای علت است که حضرت عیسی (ع) در مقام بیان فلسفه نبوت خود چنین فرموده است؛ اما در ترجمه «روا نسازم» آمده است! احتمالاً اشتباه چاپی باشد.

ضمناً در عرف مردم حلال و حرام رایج تر و مفهوم تر از روا و نارواست هر چند مبنای مترجم معادل قرار دادن واژه های سره فارسی است، ولی در این گونه موارد چشم پوشی اولی است. چون مقصود این است که مردم بهتر معنی را بفهمند.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«تا آنکه پاره ای از چیزهایی که بر شما حرام گردیده بود حلال سازم.»

۱۳- سوره آل عمران آیه ۱۷۰- و ۱۷۱: «فَرِحِينَ بِمَا أَنَا مُم

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ...»

ترجمه دکتر امامی: «شادان از آنچه خداوند هم به بخشایش خویش به آنان داده است، به آنان که هنوز از پس شان به آنان نپیوسته اند، نوید دهند که بر آنان نه باکی است و نه اندوه خوردند. نوید به نواختی و بخشایشی از خدا دهند.»

بنابراین در مثل آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ

أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه آیه ۱۱۱)

ترجمه صحیح آن چنین است:

«به راستی خداوند، از مؤمنان، خودشان و مالهایشان را خریده است تا بهشت از آنان باشد.»

این آیه علاوه بر شهیدان، شامل حال تمام کسانی که در راه خدا جنگیده اند و سالم و یا مجروح از جنگ برگشته اند نیز می شود و این طور نیست که تعبیر به «انفس» در این آیه و امثال آن به معنی «جانها» باشد که تنها معنای «إِزْهَاقِ رُوحِ» از بدن» از آن ارائه گردد و در نتیجه فقط شامل حال شهیدان گردد نه دیگر مجاهدان زنده راه حق.

اصولاً يك وقت هست که انسان با مال و ثروتش در راه خدا جهاد می کند و يك وقت هم تنها خود به جنگ می رود و می رزمند و گاهی هم هر دو را به کار می گیرد؛ هم مال و ثروت و هم تمام قوا و نیروی خود را در میدان جنگ به کار می گیرد و اینجاست که بذل انفس و اموال - به کارگیری نیروی شخصی و مالی در راه خدا - تحقق پیدا می کند؛ چه در این راه کشته شود و یا بعد از پیکار زنده بماند.

با این توضیحات، لازم است که مترجم محترم در تمام مواردی که «انفس» را به «جانها» ترجمه کرده اند تصحیح فرمایند و اشتباه دیگر مترجمان را تکرار ننمایند.

۸- سوره بقره آیه ۲۵: «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا

هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أُنْوَاهُ يَمْشَاهُ...»

ترجمه دکتر امامی: «و هر بار که از آن میوه ای شان خوراندند، گویند: این همان است که از پیش بخورده ایم و به ایشان میوه های همانند داده اند.»

**اشکال:**

ضمیر «بِه» به «رُزِقُوا» برمی گردد نه به «ثمره»؛ زیرا اگر به «ثمره» برمی گشت «بها» می شد نه «بِه». و دیگر اینکه «أَنْوَاهُ» صیغه مجهول است نه معلوم.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و هرگاه از میوه ای روزمند شوند گویند: این همان است که از پیش به ما روزی شده بود و روزی همانند داده شوند.»

۹- سوره بقره آیه ۲۱۶: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ

لَكُمْ»

ترجمه دکتر امامی: «بر شما جنگ نوشته اند و شما ناخوش می دارید.»

**اشکال:**

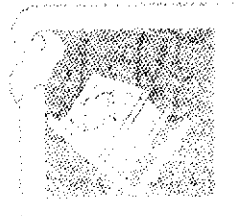
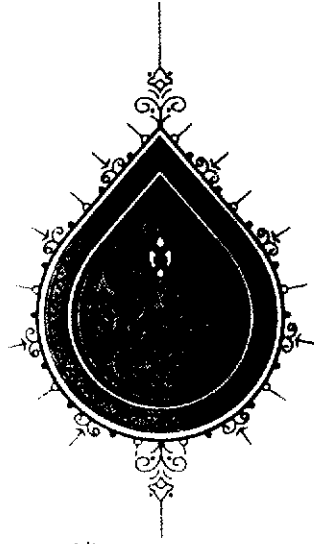
«كُتِبَ» مفرد است نه جمع.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«بر شما جنگ نوشته شده و شما آن را ناخوش می دارید.»

۱۰- سوره بقره آیه ۲۵۵: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»

ترجمه دکتر امامی: «خدای؛ خدایی جز او نباشد، زنده»



### اشکال:

«يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ» و «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ» به صورت فعل متعدی ترجمه شده اند، در صورتی که «استیشار» لازم است نه متعدی.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«از آنچه خداوند به بخشایش خویش به آنان داده است شادمان اند، و برای کسانی که از پی ایشان به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که بر آنان نه باکی است و نه اندوه خورند.»

۱۴- سورة نساء آیه ۴۶: «وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرُنَا»

ترجمه دکتر امامی: «بشنو و بنگر».

### اشکال:

ضمیر «نا» در ترجمه نادیده گرفته شده است.

پس ترجمه صحیح چنین است: «بشنو و به ما بنگر».

۱۵- سورة انعام آیه ۱۶۰: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ

أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «هر که کار نیکی کند پاداش به ده برابر گیرد. و هر که کار بدی کند جز به همانندش کیفر نبیند و ستم بر آنان نرود.»

### اشکال:

«جاءَ بِ» به معنی «آورد» است نه به معنی عمل کرد. در

مقام ترجمه باید عنایت روی معنای اصلی لغوی باشد و تعبیر «جاءَ» به جای «عَمِلَ» خالی از نکته تفسیری نیست.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر که نیکی آرد ده چندان پاداشش بود، و هر که بدی آرد جز به همانندش کیفر نشود و ستم بر آنان نرود.»

۱۶- سورة انفال آیه ۶۷: «مَالِكًا لِنَبِيِّ

أَنْ يَكُونَ لَهُ أَشْرَىٰ حَتَّىٰ يُبْخِنَ فِي الْأَرْضِ.»

ترجمه دکتر امامی: «هیچ پیامبری را نکود که بندیانی اش باشد تا در زمین کشتار کند.»

### تذکر:

«بُخِنَ» به معنای «غلظت» و وقار و سنگینی و سخت و سطیر گردیدن و در باب افعال به معنای «سنگین کردن و ضعیف نمودن» و «مبالغه و زیاده روی در کشتار کردن» آمده است و «إِثْحَانٌ» در اینجا به معنی «کوبیدن و بی حرکت کردن و از توان انداختن» می باشد و ضمناً در «بُخِنَ

فی الارض» مفعول «بُخِنَ» که «عدو» باشد در تقدیر است.

بنابراین ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«هیچ پیامبری را نبود که وی را بندیانی باشد، تا اینکه [دشمن] را از توان اندازد.»

اتفاقاً مترجم محترم آیه ۴ سورة محمد (ص): «إِذَا لَقِيتُمْ

الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَنْخَضْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَانَ»

را که در همین زمینه است با همین دقت ترجمه کرده اند: «هرگاه ناباوران را رویاروی شوید گردنها را بسزید. تا چون

از توان ببریدشان بندها را سخت کنید.»

۱۷- سورة اعراف آیه ۹: «فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «پس آنان که سنگشان گران شود، آنان

خود رستگاران اند و آنان که سنگشان سبک شود، آنان کسانی

هستند که خویشان را از دست بداده اند، چه به نشانه های ما

ستم می کرده اند.»

### تذکر:

با توجه به اینکه «موازين» جمع است نه مفرد و معادل

فارسی معمول و مصطلح آن «ترازوها» می باشد، بهتر این

است که آیه را چنین ترجمه کنیم:

«پس آنان که ترازوهای [کارکرد] شان سنگین شود، آنان

خود رستگاران اند و آنان که ترازوهای [کارکرد] شان سبک

شود، آنان کسانی هستند که خویشان را از دست بداده اند،

زیرا به نشانه های ما ستم کردند.»

ضمناً شاید تعبیر «خود را باخته اند»، بهتر از «خویشان را

از دست بداده اند» باشد.

۱۸- در سورة اعراف آیه ۱۲۹: «وَيَسْتَخْلِفُكُمْ فِي

الْأَرْضِ...»

ترجمه دکتر امامی: «و شما را در این زمین جانشین او

نهند.»

### اشکال:

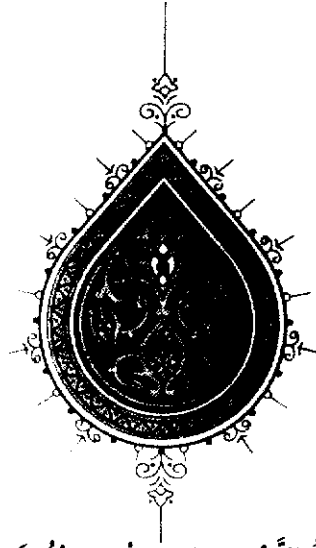
«يَسْتَخْلِفُ» مفرد است و نه جمع و کلمه «او» هم بی مورد

است.

پس ترجمه صحیح چنین است: «و شما را در زمین

جانشین گرداند.»





۱۹- در سورة اعراف آیه ۱۵۷: «... الرَّسُولُ النَّبِيُّ...» را «فرستاده آگاهی» ترجمه کرده اند، در صورتی که ترجمه صحیح آن، «فرستاده پیام آور» است.

۲۰- سورة یونس آیه ۸۸: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ.»

ترجمه دکتر امامی: «موسی گفت: ای پروردگار ما، تو به فرعون و سران او در این جهان زیوری و خواسته هایی دادی. پروردگارا تا از راه تو گمراه کنند. پروردگارا خواسته شان را نابود ساز و دلهاشان را سخت دار تا نگروند و شکنجه دردناک را ببینند.»

اشکال: باید دانست که لام «لِيُضِلُّوا» لام عاقبت است نه علت؛ یعنی اعطای ثروت به فرعونیان نتیجه اش این شده که آنها مردم را گمراه کنند بنابراین تعبیر مترجم محترم «تا از راه تو گمراه کنند» و «دلهاشان را سخت دار تا نگروند» صحیح نیست. مراد موسی (ع) این است که مال و ثروت دنیا چشم و دل آنان را ربوده و آنها مردمی هستند که تا عذاب الهی را نبینند ایمان نمی آورند. (و البته معلوم است که ایمان آنها در وقت عذاب هم فایده ای ندارد.)

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «موسی گفت: ای پروردگار ما، تو به فرعون و سران قومش در این جهان زیوری و خواسته هایی داده ای که سرانجام، دیگران را از راه تو گمراه می کنند. پروردگارا خواسته هاشان را نابود ساز و دلهاشان را سخت دار که نمی گروند تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند.»

نکته: ضمناً ترجمه «مَلَأَهُ» به «سران» چندان مناسب نیست، چون «مَلَأَهُ» اضافه به ضمیر فرعون شده و «سران فرعون» تعبیر مناسبی نیست. از این جهت ما در ترجمه «مَلَأَهُ» را «سران قوم» معنی کردیم نه «سران»، چون مَلَأَ نسبت به فرعون درجه پایین تری داشتند.

۲۱- سورة هود آیه ۸۱: «فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ لَا

يَلْتَقِثَ مِنْكُمْ أَحَدًا»

ترجمه دکتر امامی: «به پاسی از شب با خاندانت بکوچ و از شما کس روی برنگرداند.»

اشکال:

«أَسْرِي» متعدی است نه لازم و «لَا يَلْتَقِثَ» نهی است نه نفی.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«به پاسی از شب خاندانت را بکوچان و هیچ يك از شما نباید روی برگرداند.»

۲۲- سورة هود آیه ۸۷: «لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ»

ترجمه دکتر امامی: «به راستی که تو دانای بخردی.»

اشکال:

معادل کلمه «حَلِيمٌ» در فارسی «بردار» است نه دانا.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «به راستی که تو بردبارِ راهیابی.»

۲۳- سورة هود آیه ۹۱: «لَوْ لَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ»

ترجمه دکتر امامی: «اگر گروه تو نبودند سنگسارت می کردیم، تو بر ما گرامی نئی.»

اشکال:

کلمه «عزیز» در اینجا به معنی «پیروز» و «شکست ناپذیر» است. این واژه گاهی به معانی دیگر از جمله «گرامی» می آید، ولی در اینجا اولاً به قرینه موضعگیری خصمانه قوم شعیب با شعیب و دشمن پنداشتن او و ثانیاً به قرینه تعبیر «علینا» و اینکه نگفتند: ما انت لنا بعزیز - کلمه عزیز به معنی «پیروز و شکست ناپذیر» است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «اگر گروه تو نبودند سنگسارت می کردیم و تو بر ما پیروز نیستی.»

۲۴- سورة یوسف آیه ۴۷: «ثُمَّ بَدَأْ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا

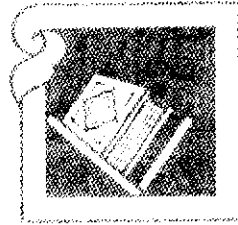
الْآيَاتِ لَيْسَجُتُّهُ حَتَّى حِينٍ.»

ترجمه دکتر امامی: «آن گاه نشانه ها که دیده بوده اند بر آنان شدند تا زمانی به زندانش نهند.»

اشکال:

در ترجمه این آیه «من بعد» ترجمه نشده، و ضمناً تعبیر «دیده بوده اند» نیز صحیح نیست.





ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آن گاه پس از نشانه هایی که دیده بودند بر آن شدند که او را زمانی به زندان نهند.»

۲۵-سوره یوسف آیه ۱۰۰: «وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ تَرَجَّ الشَّيْطَانُ بَيْنَ وَبَيْنَ إِخْوَتِي»

ترجمه دکتر امامی: «و شما را از بیابان بدین جای آورده زان پس که اهریمن میان من و برادران من تباه کرده بوده است.»

تذکر: «تباه کرده بود» صحیح است.

۲۶-سوره یوسف آیه ۱۰۱: «وَبِئْتٍ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ.»

ترجمه دکتر امامی: «پروردگارا به من شهریاری داده ای»

اشکال:

ترجمه من تبعیضیه در اینجا نادیده گرفته شده است. با توجه به اینکه دستیابی یوسف (ع) به مقام خزانه داری کشور مصر، جزئی از زمامداری و اداره کشور محسوب می شود، ترجمه دقیق آیه چنین است:

«پروردگارا به راستی بهره ای از زمامداری را به من داده ای.»

۲۷-سوره کهف آیه ۳۸: «لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا»

این آیه از روی فراموشی یا اشتباه چاپی ترجمه نشده است. اینک ما ترجمه آن را می آوریم:

«ولی من همانم که «الله» پروردگار من است، و برای پروردگار خویش کسی را انباز نگیرم.»

۲۸-سوره کهف آیه ۶۵: «... أَتَيْنَاهُ رَحْمَةً...»

ترجمه دکتر امامی: «مهری از خویش به او داده بوده ایم.»

تذکر: صحیح آن: «مهری از خویش به او داده بودیم» می باشد.

۲۹-سوره مریم آیه ۶۸: «ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا»

ترجمه دکتر امامی: «برگرد دوزخ آریم و بر زانو نشانیمشان»

بهرتر این است که چنین ترجمه شود:

«سپس زانو زنان به گرد دوزخ بنشانیمشان.»

۳۰-سوره حج آیه ۱۸: «وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ»

ترجمه دکتر امامی: «هر که خدا را خوار دارد، کس گرامیش ندارد.»

اشکال: الله در جمله «مَنْ يُهِنِ اللَّهُ» فاعل است نه مفعول به. پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«خداوند هر که را خوار دارد، کس گرامی اش ندارد.»

۳۱-سوره حج آیه ۴۲: «وَأِنْ يَكْذِبُوا فَعَلَا كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ»

ترجمه دکتر امامی: «اگر دروغ زنت بدارند، پیش از

ایشان، مردم نوح و عاد و ثمود نیز دروغ زن داشته اند.»

تذکر:

اگر مفعول به جمله «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ» ذکر نشود، طبق ترجمه مذکور خواننده «قوم» را مفعول به تلقی می کند.

پس به ناچار باید چنین ترجمه شود:

«اگر دروغ زنت بدارند پیش از ایشان، مردم نوح و عاد و ثمود نیز [بیامبران شان را] دروغ زن داشته اند.»

۳۲-در سوره حج آیه ۴۴: «فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ»

ترجمه دکتر امامی: «و چگونه بود کین من»

اشکال:

«نکیر» در لغت به معنی: ۱- انکار ۲- کیفر و مجازات آمده است.

پس ترجمه صحیح چنین است: «و چگونه بود کیفر من!»

۳۳-در سوره مؤمنون آیه ۶۵: «لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ أَنْكُمْ مِمَّا لَا تُنْصَرُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «امروز زاری مکنید، که شما را در برابر ما یاری نکنند.»

اشکال:

«مِمَّا» به معنی «از جانب ما، از طرف ما» می باشد نه در مقابل ما.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«امروز زاری مکنید که شما از جانب ما یاری نخواهید شد.»

۳۴-سوره مؤمنون آیه ۸۸: «قُلْ مَنْ يَدْعُ مَلَكَوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «بگو دارندگی همه چیز به دست کیست؟ که پناه دهد، و از او پناه نتوانند داد اگر می دانید.»

اشکال:

«وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ» به «از او پناه نتوانند داد» ترجمه شده که ترجمه روشن و دقیقی نیست؛ در حالی که مقصود آیه این است که «بر خلاف خواست خدا نمی توان کسی را پناه داد.»

ضمناً ترجمه «ملکوت» به «دارندگی» مناسب نیست، چون در ملکوت معنای حاکمیت و سلطه و اختیار و اقتدار ملحوظ شده است؛ شاید واژه «فرمانروایی» این معنی را بهتر برساند.

پس ترجمه آیه چنین است:

«بگو فرمانروایی همه چیز به دست کیست؟ که پناه دهد. و بر خلاف خواست او کسی پناه داده نشود، اگر می دانید.»

۳۵-سوره نور آیه ۳: «... وَ حُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

ترجمه دکتر امامی: «این از گرویدگان بازداشته شده است»

اشکال:

«عَلَى» به معنی «بر» است نه «از». ضمناً همان طور که قبلاً نیز متذکر شدیم در عرف مردم تعبیر «حرام شده است» بهتر از «باز داشته شده است» درک می شود.

پس ترجمه صحیح چنین است:



«این بر گرویدگان حرام شده است».

۳۶- سورة نور آیه ۵۲: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»  
ترجمه دکتر امامی: «آنان همان پیروزان اند».

تذکر:

هر چند کلمه «پیروز» در بعضی از فرهنگهای فارسی معادل فائز آمده است؛ اگر در اینجا واژه «کامیاب» را قرار دهیم مناسب تر است. پس ترجمه بهتر چنین است:  
«آنان همان کامیابان اند».

۳۷- سورة فرقان آیه ۸: «وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْخُورًا»

ترجمه دکتر امامی: «ستم کاران گفتند: شما جز مردمی افسون شده را نمی پرستید».

اشکال:

«تَتَّبِعُونَ» یعنی پیروی می کنید نه اینکه می پرستید! پس ترجمه صحیح چنین است:

«شما جز مردمی افسون شده را پیروی نمی کنید».

۳۸- سورة فرقان آیه ۵۸: «وَسَيُخَاجِبُهُ»

ترجمه دکتر امامی: «او را به پاکی بستای».

اشکال:

جمله «او را به پاکی بستای» معادل «سَيَخِجُهُ» است نه تمام آیه مذکور پس ترجمه صحیح چنین است:

«و با سپاسش ستایش کن».

همان طور که مترجم محترم در آیه ۳۰ سورة بقره: «وَقَدْ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ» را چنین ترجمه کرده اند:

«ما خود تو را با سپاس، ستایش می کنیم».

۳۹- سورة فرقان آیه ۷۶: «قُلْ مَا يَعْبُودُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»

ترجمه دکتر امامی: «بگو: پروردگار من شما را چه می خواهد؛ اگر خواندنتان نبود؟»

اشکال:

«عِبَادِي» در لغت به معنای: ۱- ارزش قائل شدن ۲- اهمیت دادن ۳- اعتنا کردن آمده است.

و در اینجا هر کدام را به کار گیریم صحیح است، ولی مترجم محترم آن را به معنی «خواستن» گرفته است که در هیچ فرهنگ لغاتی به چنین معنایی نیامده است! ضمناً «ما» را بعضی نافیه و بعضی استفهامیه گرفته اند که هر دو وجه ممکن است.

در ضمن، در عرف عام لفظ «دعا» بهتر معنای آیه را منتقل می کند تا واژه «خواندن». علاوه بر این «خواندن» معنای «قرائت» می دهد که در آیه مذکور مقصود نیست پس بهتر است همان کلمه «دعا» در ترجمه بیاید.

پس ترجمه صحیح آیه به هر يك از دو فرض چنین است:  
۱- «بگو: پروردگار من به شما ارجی نهد، اگر دعایتان نباشد».

۲- «بگو پروردگار من چه ارجی به شما نهد، اگر دعایتان

نباشد؟».

۴۰- سورة شعراء آیه ۶۷: «...إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ»

ترجمه دکتر امامی: «راستی که در این نشانه ای است و بیشترشان گرونده نیستند».

و نیز در همین سوره آیه ۱۲۱ و ۱۳۹ و ۱۵۸ و ۱۷۴ و ۱۹۰ به همین گونه ترجمه شده اند؛ ولی در آیه ۱۰۳ همین سوره به جای «نیتند» واژه «نگروند» آمده است.

اشکال:

سباق این آیات بدین گونه است که هر يك بعد از ذکرى از انبیا و اقوام آنها خبری را بیان کرده است. این آیات خبر از گذشته می دهند نه مآوقع حال یا آینده؛ در حالی که در ترجمه، کلمه «نیتند» ظهور در حال و کلمه «نگروند» ظهور در آینده دارد.

و ثانیاً «كَانَ» فعل ماضی است. و در اینجا دلیلی نداریم که آن را به معنای مضارع بگیریم.

پس ترجمه صحیح آیه و نظائر آن چنین است:

«راستی که در این نشانه ای است و بیشترشان نگرویدند».

اتفاقاً مترجم محترم همین آیه را در همین سوره آیه ۸ به صورت صحیح ترجمه کرده اند:

«در این نشانه ای است و بیشترشان گرویده نبوده اند».

اگرچه در این آیه نیز «راستی که» - معادل «إِنَّ» - آورده نشده است!

۴۱- سورة نمل آیه ۳۲: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ أَفْتُونِ فِي أَمْرِ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ»

ترجمه دکتر امامی: «گفت: ای مهران در کار من با من رای زنی، من کاری تا بر آن گواه نباشید نبرم».

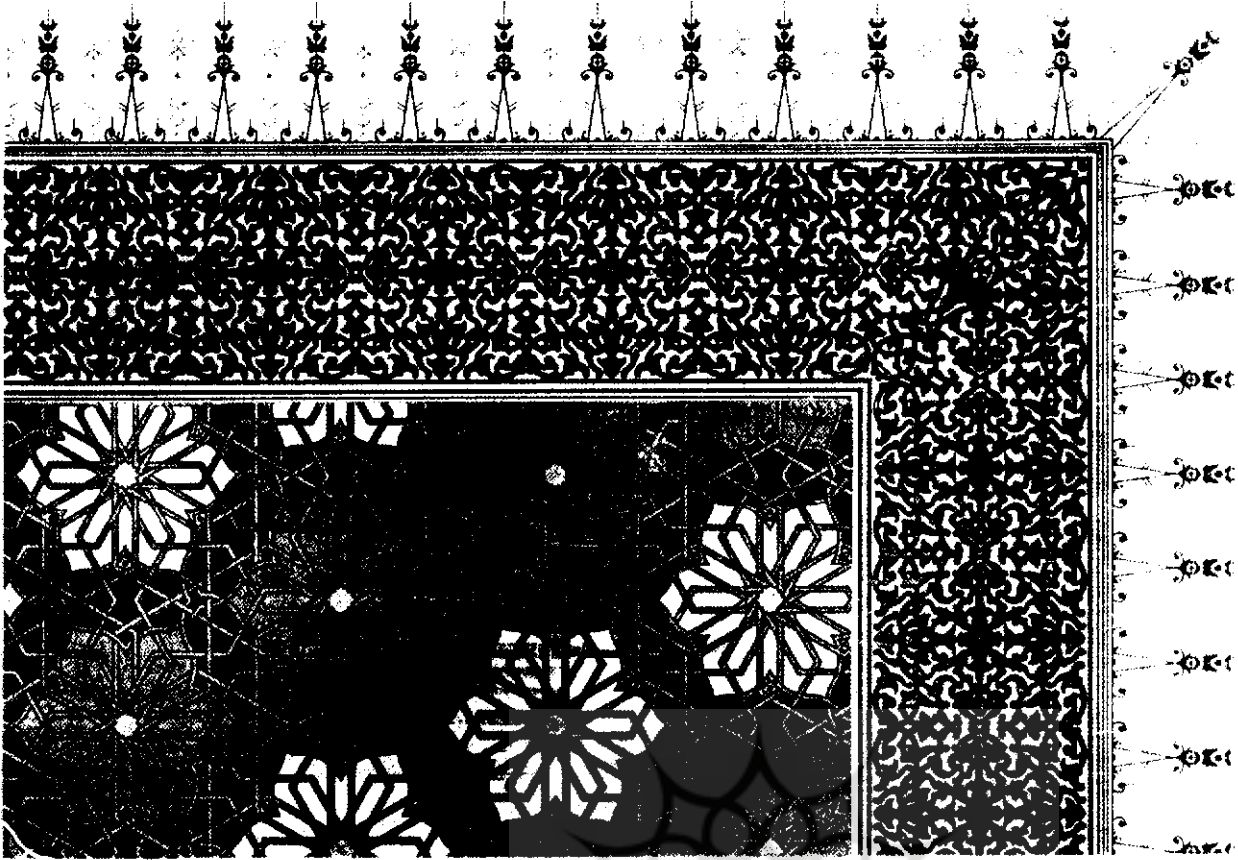
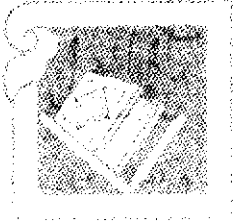
اشکال:

می دانیم که «كَانَ» و مشتقات آن اگر بر سر فعل مضارع درآیند آن را به ماضی استمراری برمی گردانند و در اینجا هم «قاطعة» اگر چه اسم فاعل است، از نظر معنی مانند مضارعی است که بعد از «كَانَ» قرار گرفته است و باید به صورت ماضی استمراری معنی شود، چون در اینجا اسم فاعل بدون «الف و لام» عمل کرده است و شرط عمل چنین اسم فاعلی معنای حال یا استقبال داشتن است مانند فعل مضارع، و مفسران نیز با توجه به همین نکته، آیه را به صورت ماضی معنی کرده اند. علاوه بر این بلقیس در اینجا می خواهد بگوید که اگر من در این پیشامد با شما مشورت می کنم بدان جهت است که من تاکنون در هیچ امری استبداد به خرج نداده ام، بلکه هر کاری کرده ام با مشورت و در حضور شما کرده ام.

بنابراین «تشهدون» در اینجا به معنای «حضور داشتن» است برای مشورت و اظهار رأی، و معنای «گواهی دادن» یا «گواه بودن» نمی دهد.

پس ترجمه صحیح آیه مذکور چنین است:





### اشکال:

«مسح» به معنی «دست کشیدن» و «سودن» و «لمس کردن» است و در صورتی به معنی بریدن می آید که با ابزار بریدن بیاید مانند: مَسَحَهُ بِالسَّيْفِ و یا از قرائن و شواهد موجود اطمینان حاصل شود که مسح به معنای بریدن به کار رفته است.

در آیه مذکور هیچ دلیلی نداریم که «مسح» را به معنی بریدن بگیریم، و مبنای ترجمه کسانی که «مسح» را در این آیه به معنی بریدن گرفته اند نظریه سخیف بعضی از مفسرین است که بر اساس روایتی مجعول، آگاهانه یا جاهلانه نسبت خطا و لغزش و لغو به پیامبر معصومی چون حضرت سلیمان (ع) داده اند و گفته اند: «مراد از دست کشیدن به ساقها و گردنهای آنها، زدن آنها با شمشیر و بریدن دست و گردن آنهاست، بنابراین سلیمان (ع) از اینکه اسبان، او را از عبادت خدا باز داشته اند خشمناک شده و دستور داد آنها را برگردانند و آن گاه ساق و گردن همه را با شمشیر زده و همه را کشته است.»

ولی بطلان این سخن بر ارباب بصیرت پوشیده نیست و چنین عمل لغو و ظالمانه ای از پیامبر بزرگ و عظیم الشانی چون سلیمان (ع) سر نمی زند؛ زیرا اسبها گناهی نداشتند که از دم شمشیر سلیمان بگذرند. اگر گناهی باشد متوجه خود اوست که غرق تماشای اسبها شده و خدا را فراموش نموده - که این هم در شأن نبی و رسول نیست - وانگهی اسراف و اتلاف مال محترم که حرمت آن روشن است چگونه از سلیمان که رسول الهی است سر می زند؟

گفت: ای مهران در کار من با من رای زنی که تا نزد من بوده اید [بدون شما] برنده کاری نبوده ام.

۴۲- سوره قصص آیه ۸۲: «وَأَصْحَابُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكُونُونَ...»

ترجمه دکتر امامی: «بامدادان کسانی که دیروز آرزوی جای او داشته اند می گفتند...»

تذکر: در این ترجمه «داشتند» صحیح است نه داشته اند.

۴۳- سوره روم آیه ۶۰: «فَأَضْمِرْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقٌّ وَ لَا يُشْخِطُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «پس بشکيب که وعده خدا راست است و مباد کسانی که باور نکنند از تو شتاب خواهند.»

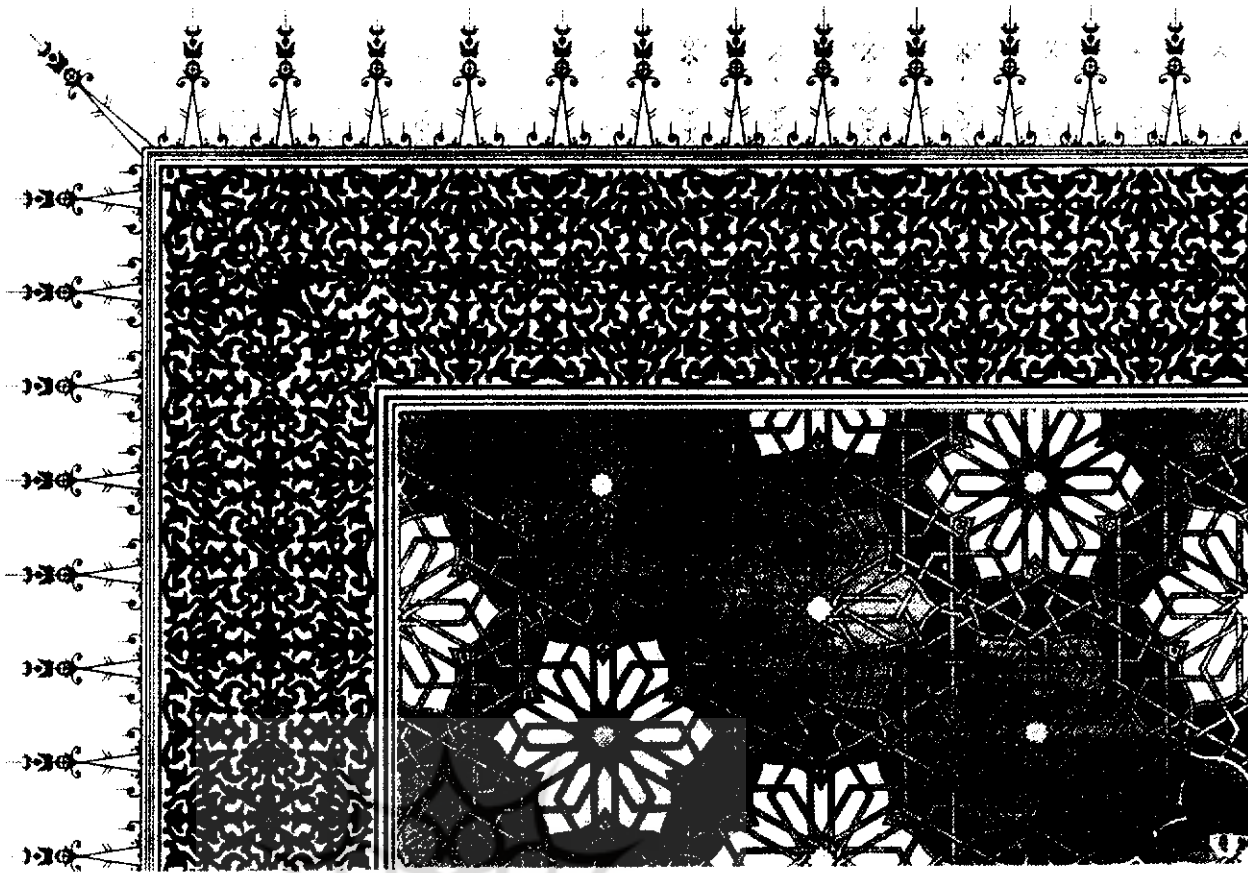
تذکر: به قرینه «فَأَضْمِرْ» معنای آیه این است که مبادا دشمنان تو را تحريك کنند و از جا به در برند که با آنان درگیر شوی و «استخفاف» به معنی خفیف یافتن است، چون چیزی را که انسان سبک می یابد می تواند آن را حرکت دهد و جا به جا کند.

پس ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«پس بشکيب که وعده خدا راست است و مباد کسانی که باور ندارند تو را از جای برانند.»

۴۴- سوره صاد آیه ۳۳: «رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ»

ترجمه دکتر امامی: «آنان را به نزد من باز آرید پس به بریدن پای و گردن شان آغازید.»



اشکال:

معلوم نیست به چه دلیل کلمه «مَوْلَى» در این آیه که بر سیاق واحد است يك بار به معنی دوست و بار دیگر به معنی یاور گرفته شده است؟! در صورتی که يك کلمه در سیاق واحد هر چند بار هم تکرار گردد بیش از يك معنی نمی تواند داشته باشد. و در اینجا معنی ناصر و یاور برای مولى مناسب تر است.

پس ترجمه دقیق آیه چنین است:

«این بدان است که خدا یاور کسانی است که گرویده اند و ناباوران را هیچ یآوری نیست.»

۴۸- سورة فتح آیه ۲: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ

اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ...»

ترجمه دکتر امامی: «ما برای تو به گشایشی آشکار بگشودیم، تا خدا گناهان تو را آنچه بگذشته است و آنچه زین پس آید آمرزد.»

اشکال:

باید دانست که «مَا تَأَخَّرَ» به معنی «مَا يَأْتِي» نیست و غالباً دیده شده که «مَا تَأَخَّرَ» را گناهان آینده معنی کرده اند، و این از جهت دقت نکردن در لفظ آیه است؛ زیرا «مَا تَقَدَّمَ» و «مَا تَأَخَّرَ» هر دو فعل ماضی هستند و دلیلی نداریم که در يك جمله با سیاق واحد، دو فعل ماضی را یکی به همان معنای ماضی و دیگری را به معنای مضارع بگیریم. (يك بام و دو هوا؟!)

علاوه بر این، آموزش گناهی که هنوز تحقق پیدا نکرده چه

برای اطلاع بیشتر به تفسیر المیزان، ج ۱۷، صفحه ۲۰۳ و ۲۰۴ و تفسیر نمونه، جلد ۱۹، صفحه ۲۷۰ تا ۲۷۷ رجوع کنید.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آنان را به نزد من باز آرید، پس به سودن پای و گردنشان آغازید.»

۴۵- سورة زمر آیه ۵۹: «بَلَىٰ قَدْ جَاءَ نَكَ أِيَاتِي فَاكْذَبْتُمْ...»

ترجمه دکتر امامی: «نه، که آیه های من برسید و دروغش پنداشتی.»

تذکر: معادل «بَلَىٰ» در فارسی کلمه «آری» است نه «نه».

۴۶- سورة غافر آیه ۵۸: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ النَّبْصِيرُ وَ

الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ لَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «کور و بینا برابر نبیند، نیز آنان که گرویده اند و کارهای نیک کرده اند با بدکار یکسان نبیند، چه اندک پند گیرند.»

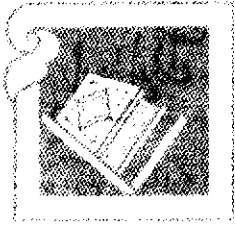
اشکال:

ظاهراً بر اثر اشتباه چاپی در ترجمه آیه مذکور «نبیند» را «نبینند» آورده است.

۴۷- سورة محمد آیه ۱۱: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ

أَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ»

ترجمه دکتر امامی: «این بدان است که خدا دوست کسانی است که گرویده اند و ناباوران را هیچ یآوری نیست.»



معنای معقولی دارد؟

بنابراین معنای معقول «ما تَقَدَّمْ و ما تَأَخَّرْ» آنچه بوده و هست، یعنی قدیم و جدید می باشد، نه آینده ای که هنوز نیامده است. به عبارت دیگر مراد از ما تأخر نسبت به ما تقدم است نه ما تأخر از وقت نزول آیه.

ضمناً در این ترجمه کلمه «به» در جمله «به گشایشی» زائد است و باید حذف شود. پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«ما برای تو، گشایشی آشکار بگشودیم، تا خدا همه گناهان تو را آنچه بوده و هست [از اول تا به آخر] بپامزد.»

۴۹ - سورة ذاریات آیه ۴۷: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «آسمان را به نیرو برافراشتیم و ما توانائیم.»

اشکال:

معادل کلمه «موسع» در فارسی «فراخ بخش» است نه توانا؛ البته لازمه فراخ بخش بودن «توانا بودن» نیز هست.

پس ترجمه دقیق آیه چنین است:

«و آسمان را به نیرو برافراشتیم و ما فراخ بخشیم.»

۵۰ - سورة واقعه آیه ۷۵: «فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ.»

ترجمه دکتر امامی: «سوگند به فرودگاه اختران.»

سورة حاقه آیه ۳۸: «فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصَرُونَ.»

ترجمه دکتر امامی: «پس سوگند به آنچه بینید.»

سورة معارج آیه ۴۰: «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ...»

ترجمه دکتر امامی: «سوگند به پروردگار خاوران و باختران.»

سورة تکویر آیه ۱۵: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ»

ترجمه دکتر امامی: «پس سوگند به اختران باز آینده»

سورة بلد آیه ۹۰: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ»

ترجمه دکتر امامی: «سوگند به این شهر»

اشکال:

مترجم محترم لای نفی جنس را در آیات مذکور نادیده گرفته اند و به جای «سوگند نمی خورم» که معادل لَأُقْسِمُ است. سوگند می خورم آورده است.

البته بنا به يك تفسیر «لأقسم» در واقع به «أُقْسِمُ» برگشت می کند، یعنی تأکید بیشتر در قسم را می رساند؛ ولی شخص مترجم در مقام ترجمه حتی الامکان موظف به حفظ ظاهر لفظ است و باید آن را مراعات کند، پس ترجمه صحیح در این آیات چنین است:

«به فرودگاه اختران سوگند نخورم» و همین طور دیگر آیات...

اتفاقاً مترجم محترم در دیگر آیات مشابه، صحیح ترجمه کرده اند از جمله:

در سورة قیامت آیه اول و دوم: «لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ وَلَا

### أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّوَامَةِ

«سوگند به روز رستخیز نخورم»

سوگند به جان سرزنش گر نخورم»

و نیز در سورة انشقاق آیه ۱۶: «فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّقِیِّ.»

«سوگند به سرخی شامگاه نخورم.»

ترجمه این دو دسته از آیات نمونه بارزی از دوگانگی در ترجمه مترجم گرانقدر است.

۱ - سورة منافقون آیه ۲: «اتَّخَذُوا أیمانَهُمْ حُتَّةً...»

ترجمه دکتر امامی: «پیمانهای خویش را سپر خویش کردند.»

اشکال:

کلمه «آیمان» در اینجا به معنی سوگندهاست نه پیمانها! چون اصولاً منافقین با پیامبر اکرم (ص) پیمانی نبسته بودند.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«سوگندهای خود را سپر خویش کردند.»

۵۲ - سورة تحریم آیه ۳: «وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ

أَزْوَاجِهِ حَدِيثاً فَلَمَّا بَيَّنَّاتِ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَتْ بَعْضَهُ وَ

أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا بَيَّنَّاهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي

الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»

ترجمه دکتر امامی: «هرگاه پیامبر با برخی زنان خویش سخنی به راز گوید، چون آن زن فاش کند و خدا پیامبر را از آن آگاه کند، برخیش را باز شناساند و از برخی سر باز زند و چون زن را از آن آگاه کند زن گوید: این را که تو را گفته است! گوید: مرا آن گفته است که دانا و آگاه است.»

اشکال:

مترجم محترم صیغه های ماضی «أَسْرَأَ» و «بَيَّنَّاتِ» و «أَظْهَرَهُ» و «عَرَفَتْ» و «أَعْرَضَ» و «نَبَأَ» و «قَالَتْ» و «أَنْبَأَ» را که همه مربوط به يك قضیه شخصیه واقع شده درباره پیغمبر اکرم (ص) هستند و هرگز هم قابل تکرار نیست، به صیغه مضارع ترجمه کرده اند به گونه ای که گویی قابل استمرار و تکرار است! در صورتی که آیه خبر از واقعه ای داده است که تمام شده است.

و کلمه «إِذْ» را نیز که ظرف زمان ماضی است به معنی «إِذَا» که ظرف زمان مستقبل است گرفته اند!

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آن گاه که پیامبر با برخی از زنان خویش رازی را در میان نهاد، چون آن زن آن را فاش کرد و خدا پیامبرش را از آن آگاه ساخت، پیامبر برخی از آن راز را بر او باز شناساند و از برخی خودداری کرد و چون زن را از آن آگاه کرد، زن گفت: چه کسی تو را از این خبر داده است؟ گفت: دانای آگاه مرا خبر داده است.»

۵۳ - سورة ملك آیه ۹: «إِن أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ»

ترجمه دکتر امامی: «شما جز در گمراهی آشکاری نباشید.»



«و زمین بارهای سنگینش را برون اندازد.»

۵۸- مترجم محترم در ترجمه بعضی کلمات قرآنی در صدد پیدا کردن معادل‌های فارسی سره قدیمی برآمده که در عرف مردم زمان ما نامفهوم و ناشناخته و متروک و غریب می نماید به عنوان مثال:

کلمه ارث را «ریگ» و فدیة را «برخی» و محاجه را «آوند» و اُمی را «نافرهیخته» و اهل کتاب را «نامه وران» و قصاص را «توختن» و احیا را «زیانندن» و حواریون را «سپید دلان» و کعب را «پژول» و هزو را «فسوس» و کفاره را «گنه پوش» و سلطان را «آوند» و مکر را «سگالیدن» و شهاب را «تیزک» و فتور را «زفت» و إحصاء را «آماریدن» و حصید را «دروده» و فریضه را «بایانندن» و مسجد الحرام را «مسجد ارجمند» و ... ترجمه کرده اند.

اصولاً اگر بنا باشد که قرآن را با زبان غیر رائج ترجمه کنیم چه فرقی بین لغات عربی و این واژه های نامأنوس برای ترجمه خوانان وجود دارد؟ زیرا در هر دو صورت فهم آن مختص به خواص نادر می شود. مگر اینکه مبنای فقط زنده کردن زبان فارسی قدیمی آن هم برای عده ای محدود باشد نه ارائه ترجمه ای کامل از قرآن مجید.

### موارد دیگری از اشکال در ترجمه

آیات:

۱- سورة بقره آیه ۱۸۸: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

ترجمه دکتر امامی: «خواستہ تان را در میانتان تباه مخورید و دادخواهی به داوران مبرید که از خواسته های کسان پاره ای را به گناه بخورید و خود بدانید.»

اشکال:

«و تذللوا بها إلى الحكام» را به «دادخواهی به داوران مبرید» ترجمه کرده اند؛ در صورتی که «تذللوا» از «إدلاء» به معنی: ۱- به چاه فرستادن ۲- فرستادن ۳- رشوه دادن (معنای کنایی) آمده است و در اینجا معنای سوم مراد است که همان معنای کنایی باشد. پس ترجمه صحیح چنین است: «... و به حاکمان رشوت مدهید...».

۲- سورة فجر آیه ۱۵ و ۱۶: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَيْتَهُ رَبُّهُ... وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَيْتَهُ...»

ترجمه دکتر امامی: «اما آدمی چون پروردگارش بیازماید... اما اگر بیازماید...»

اشکال:

در این ترجمه ضمیر «ابتلاء» نادیده گرفته شده است: ترجمه صحیح آن چنین است: «اما آدمی چون پروردگارش او را بیازماید... و چون بیازمایدش...»

۳- سورة انسان آیه ۲۷: «إِنَّ هُوَ لَأَبْجُوثٌ مُّعَاجِلٌ...» ترجمه دکتر امامی: «آنان جهان شتابان را دوست دارند.»

### اشکال:

معادل لفظ کبیر در فارسی «بزرگ» است نه «آشکار» که معادل «مبین» است. ضمناً در این ترجمه تعبیر «نمی باشید» بهتر است از «نباشید» تا با نهی اشتباه نشود.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«شما جز در گمراهی بزرگی نمی باشید.»

۵۴- سورة حاقه آیه ۵۰: «وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» ترجمه دکتر امامی: «و آن رشکی است برای ناباوران.»

اشکال:

معادل «حسرت» در فارسی «افسوس» است نه «رشک» که معادل حسد است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و آن فسوسی است برای ناباوران.»

۵۵- سورة مرسلات آیه ۲۵ و ۲۶: «الَّذِينَ نَجَعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أٰخِيَاءَ وَ أَمْوَاتًا»

ترجمه دکتر امامی: «آیا زمین را فراگیر نساختم، فراگیر زندگان و مردگان.»

تذکر:

«کِفَات» از کِفَت، در لغت به معنی جمع کردن و فراهم آوردن (مصدر به معنی فاعل) و محل جمع آوری آمده است.

منظور این است که زمین قرارگاهی است که انسانها را در خود جمع می کند و از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که اشاره به قبرستان کرد و فرمود:

«هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ؛ أَي مَسَاكِينِهِمْ» این منزلگاه مردگان است. آن گاه نگاهی به خانه های کوفه کرده فرمود:

«هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ» این منازل زندگان است، سپس آیات یاد شده را تلاوت فرمود. (تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۱۷، به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۴۱۲)

بنابراین بهتر است آیه را چنین ترجمه کنیم:

«آیا زمین را جایگاهی نساختم؟ جایگاه زندگان و مردگان.»

۵۶- سورة فجر آیه ۲۶: «وَ لَا يُؤْتِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ»

ترجمه دکتر امامی: «و کس را چون بند او بند نکشند»

اشکال:

در این آیه «يُؤْتِقُ» فعل معلوم و فاعل آن نیز «أَحَدٌ» می باشد و «وثاق» نیز که معنای مصدری دارد در این آیه مفعول مطلق است برای يُؤْتِقُ؛ ولی مترجم محترم «يُؤْتِقُ» را که معلوم است، به صیغه مجهول ترجمه کرده اند.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و کسی چون بند کشیدن او به بند نمی کشد.»

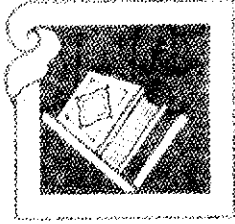
۵۷- سورة زلزله آیه ۲: «وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا»

ترجمه دکتر امامی: «و زمین نهان خویش را برون اندازد.»

تذکر:

أثقال جمع ثقل به معنی بارهای سنگین است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:



## اشکال:

ترجمه دکتر امامی: «یاران آن گودال بمردند». ترجمه صحیح آیه چنین است: «مرگ بر یاران آن گودال.»  
 ۱۴- سورة عصر آیه ۳: «وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»  
 ترجمه دکتر امامی: «یکدیگر را سفارش به شکیب کرده اند.»

در ترجمه آیه حرف «و» فراموش شده است: «و یکدیگر را...»  
 تذکر: همان طور که ملاحظه می فرمایید از مورد ششم تا چهاردهم به علت وضوح مطلب، موارد اشکال را متذکر نشدم و تنها به ارائه ترجمه صحیح آیات اکتفا ورزیدم.

## غلطهای چاپی:

۱- دعای قبل از تلاوت قرآن این گونه آمده است: «اللَّهُمَّ بِالْحَقِّ أَنْزَلْتَهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ اللَّهُمَّ عَظَمَ رَغْبَتِي...»  
 اشکال:

«عَظَمَ» به صیغه امر از باب تفعیل صحیح است نه عَظَمَ به صیغه ماضی باب کَرَمَ.  
 که متأسفانه مترجم محترم هم بر سیاق غلط ترجمه کرده اند «... پروردگارا رغبتم بدان بسیار است...»  
 ترجمه صحیح چنین است: «پروردگارا رغبتم را بدان بسیار گردان...».

۲- در صفحه ۵۲۱ و ۵۲۲ (در سورة غافر) ترجمه صفحه ۵۲۱ در مقابل صفحه ۵۲۲ و بالعکس چاپ شده است.  
 ۳- در صفحه ۵۵۳ (در سورة جاثیه آیه ۳۱) ترجمه آیه شماره ۳۱ چاپ نشده است.

۴- در صفحه ۳۴۸ (سورة طه قبل از آیه ۹۸) يك علامت ستاره \* زائد وجود دارد که باید در چاپهای بعد برداشته شود.  
 ۵- در عناوین سر سوره ها که به خط خطاطان معاصر است رعایت کامل اعراب نشده است و لازم است که در چاپهای بعد تکمیل گردد؛ از جمله:

سُورَةُ الْمُرْقِلِ، سُورَةُ الْمُدْتَرِّ، سُورَةُ الْجُمُعَةِ، سُورَةُ اِلِ عِمْرَانَ، سُورَةُ النِّسَاءِ، سُورَةُ التَّوْبَةِ، سُورَةُ يُوسُفَ، سُورَةُ النَّخْلِ، سُورَةُ الْحَجِّ، سُورَةُ الْقَصَصِ، سُورَةُ سَبَاءِ، سُورَةُ الصَّافَّاتِ، سُورَةُ ضَ، سُورَةُ الزَّمْرِ، سُورَةُ الشُّورَى، سُورَةُ الدُّخَانِ، سُورَةُ الْأَخْفَافِ، سُورَةُ الْحَجْرَاتِ، سُورَةُ الذَّارِيَاتِ، سُورَةُ الْقَمَرِ، سُورَةُ التَّحْرِيمِ، سُورَةُ الْحَاقَّةِ، سُورَةُ النَّبَأِ.  
 در این موارد دقت نکردن در اعراب گذاری محسوس تر از موارد دیگر است، از این جهت لازم است که در چاپهای بعد، اسامی سوره ها با دقت کامل اعراب گذاری شود.  
 در پایان بار دیگر از تلاشهای پرنمر مترجم گرانقدر به سهم خودم قدردانی و تشکر نموده و مزید توفیق معظم له را از درگاه قادر متان مسألت دارم.

«هؤلاء» اسم اشاره به نزدیک است نه دور  
 پس ترجمه صحیح چنین است: «اینان جهان شبابان را دوست دارند.»

۴- سورة جن آیه ۶: «فَرَادُوهُمْ رَهَقًا»  
 ترجمه دکتر امامی: «و آنان جز بر گناهانشان نمی افزودند»  
 ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آنان بر تباهی شان افزودند.»

«رهق» در لغت به معنای: ۱- طغیان و تباهی ۲- فرا گرفتن و احاطه کردن آمده است. و ضمناً در آیه سخنی از الّا نیست که مترجم کلمه جز و حرف نفی را در ترجمه آورده اند!  
 ۵- سورة جن آیه ۲: «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ...»  
 ترجمه دکتر امامی: «که رهنمون به راه راست شود.»  
 اشکال:

«یهدی» فعل معلوم است نه مجهول؛ پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «به راه راست رهنمون کند.»

۶- سورة مدثر آیه ۸: «وَ إِذَا نُفِرَ فِي النُّاقُورِ»  
 ترجمه دکتر امامی: «و آن گاه که در شاخ دمند.» ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آن گاه که در شاخ دمیده شود.»

۷- سورة عبس آیه ۱۲: «فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ.»  
 ترجمه دکتر امامی: «هر که خواست گیرد.»  
 ترجمه صحیح آیه چنین است: «هر که خواست از آن پند گیرد.»

۸- سورة عبس آیه ۲۴: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»  
 ترجمه دکتر امامی: «پس آدمی به روزی خویش نگرد.»  
 ترجمه صحیح آیه چنین است: «پس آدمی به خوراک خویش بنگرد.»

۹- سورة تکویر آیه ۸: «وَ إِذَا الْمَوْؤِدَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»

ترجمه دکتر امامی: «و آن گاه از دختران زنده بگور پرسند به کدام گناه کشتندشان.» ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آن گاه از دختر زنده بگور پرسیده شود به کدام گناه کشته شده؟»

۱۰- سورة تکویر آیه ۱۲: «وَ إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ»  
 ترجمه دکتر امامی: «و آن گاه که دوزخ را افزودند.» ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آن گاه که دوزخ افروخته شود.»

۱۱- سورة تکویر آیه ۱۳: «وَ إِذَا الْجِبَّةُ الْأُزْلُقَتْ»  
 ترجمه دکتر امامی: «و آن گاه که بهشت را پیش می آرند.»  
 ترجمه صحیح آیه چنین است: «و آن گاه که بهشت پیش آورده شود.»

۱۲- سورة انشقاق آیه ۸: «فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا»  
 ترجمه دکتر امامی: «پس شمار بر او آسان دارند.» ترجمه صحیح آیه چنین است: «زودا که به آسانی رسیدگی شود.»

۱۳- سورة بروج آیه ۴: «قِيلَ أَضْحَابُ الْأَخْدُودِ»

